

موشکولو

شهرام شفیعی
تصویرگر: سید میثم موسوی



ذره بین

از موشکولو پرسیدند: «به مگسی که از پشت ذره بین به ما نگاه کند، چه می گوئیم؟»
جواب داد: «می گوئیم سلام خرمگس!»



مربا

دکتر از موشکولو پرسید: «تو مربا را با کره می خوری یا با خامه؟»
موشکولو گفت: «با هیچ کدام! من مربا را با انگشت می خورم!»

هزارپا

هزارپا به موشکولو گفت:
«من پادرد دارم. یک کم پایم را می مالی؟»
موشکولو پرسید: «کدام پایت درد می کند؟»
هزارپا گفت: «هر هزارتایش!»



لبخندک



فیل و مورچه

مورچه خوابید رو زمین، به فیله گفت:
«بی زحمت پشتم را لگد کن»
تا خستگی ام دربرود!»

ناصر کشاورز



شکمو

بادکنک کوچولو خیلی شکمو بود. هی می گفت: «من گشمنه.»
مامانش تلمبه را گذاشت
توی دهنش و گفت: «بخور تا سیر بشوی!»

محمد رضا شمس



تخم مرغ

تخم مرغ می لرزید.
پرسیدند: «چی شده؟»
گفت: «خواب دیدم نیمرو شدم.»

طاہره خردور



لباس راحت

لاک پشته لاکش را در آورد و
گفت: «آخیش... حالا می توانم
با لباس راحت توی خانه
بگردم!»

شکوه قاسم‌نیا

